

حاکمیت فعلی ائتلاف یا اختلاف؟؟؟

« رویداد ها و حوادث سیاسی و نظامی افغانستان »

گفتنی های ناگفته - (استاد صباح)



مرد بزرگ آمریکای لاتین میگفت: اگر خفه ام کنند سازش نخواهم کرد و ایمانم را قربانی مصلحت نمیکنم. وی میگفت: مردم را دریاب! هرگز سازش نکن! بلی کسانی که سازش نمی کنند، می میرند، اما مرگ شان عین حیات و زندگی ست. بلی اگر اینطور بی تفاوت باشی تو نیز می میری، اما در چهره ات نشانی از مرگ نخواهد بود...

می گویند، آدم های شجاع، آن هایی هستند که وقتی در یک نبرد و بازی شکست خوردند، جوان مردانه شکست را بپذیرند و اگر کمی عاقل باشند، به دنبال یافتن دلایل شکست هستند. و آدم های زبون، کج اندیش و افراطی آن هایی هستند که پس از شکست به دنبال بهانه جویی باشند.

عبدالله ریس اجرائیوی قبل از اخذ چوکی میگفت: اگر قطعه قطعه شوم حکومت قلبی را نخواهم پذیرفت و من به ملت عدالت پسند اعلام می کنم که نتیجه ی تقلب را حتی یک روز نمی پذیریم فقط حکومتی باید در چوکی قرار بگیرد که ملت خواسته است. مردم از ما خواستند و می خواهند و در انتظار بودند و هستند که ما حکومت خود را اعلام کنیم...

از زيردل ياد کردم خدا، رفتم و شد
نه عرب و ايران از بي دعا رفتم و شد
بنگر نه باپکول چرکين و موترگروزين
من با سر لوچ به دیدار خدا، رفتم و شد
نه دروغ گفتيم و نه کرده ام چپاول
برخلاف دروغ گویی اينها، رفتم و شد
ریش خود را ز ادب صاف نمودم با تیغ
همچون آینه با صدق و صفا، رفتم و شد
من زبان عربی را که نمی دانم و ندانم
نمودم از ته حلق ادا، رفتم و شد
از کفرو و ملحد و جهاد نگفتم سخنی
خوانده ترانه ي مهرو وفا رفتم و شد
چون نیازی نه لنگی داشتم و نه پکول
نه به دختری گناه دادم فتوارفتم و شد
او از ترس با چند وکیل در منزل فرخنده

من بدون هیچ چون و چرا رفتم و شد
آنان حج رفتن از برای تجارت و پول
من از بهر کمک مسکین و گدا رفتم و شد
در شیرپور و دبی قصرها بنا کرد و بلدنگ
من خانه ندارم و نه قصر بهر جا رفتم و شد
اوساله است مکه گوید و نجف راجوید
من در بزم عزیزان باشور و نوار رفتم و شد...

عملکردهای شتاب زده، مصلحتی، عجولانه، فرمایشی و هدایت شده خلاف میل توده ها شرایطی را به وجود آورده که به درگیری های داخلی، ناامنی، سرقت مسلحانه، اختطاف و بیژ اعتمادی منجر شده است. در طی این مدت این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانونمداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نابسامانی های که از دوران بی کفایتی و روزتیری کرزی باقی مانده است کار های بزرگی انجام می شود اما نشد و خواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی و نیرومند و پاسدار قانون و تأمین کننده امنیت و ادامه دهنده بازسازی، تأمین کار و رفاه اجتماعی به یأس تبدیل گردید. در دولت فعلی، حاکمیت قانون گسترش نیافته، دشمنان قوی تر شده، ناامنی و خشونت افزایش پیدا نموده، فقر، بیکاری، بی نظمی، بی اعتمادی و دلسردی پله های اوجگیری اش را سرسام آور طی میکند.

با تداوم حکومت فعلی فساد مالی، رشوه ستانی، زورگویی، بی قانونی، فساد اجتماعی، جنایت اخلاقی، بزن، بپرو بکش سلاحداران، بیکاری، فقر، وجور و چپاول به اوج خود رسید. کشور به سوی هرج و مرج می رود و در حال سقوط به دامان افراطگرایی، تفنگداری و بنیادگرایی است. طالبان تادروازه های کابل پیش آمده اند و اماریس جمهور و ریس اجرائیه مصروف چانه زنی کرسی و قدرت اند. طالبان بار دیگر دولت را به مبارزه طلبیده و در بعضی ولایات فرمان میرانند. آنها کنترل بعضی مناطق را به دست گرفته و دستور آنان در مقایسه با قانون دولت از قبولیت بیشتر برخوردار است زیرا جبراً بالای مردم بی دفاع می قبولانند چون دولت نمیتواند تأمین کننده امنیت جانی و مصونیت زندگی اجتماعی باشد.

قاچاقچیان و دزدان مشهوری که همین اکنون در پستهای بزرگ مرکزی و ولایتی لمیده اند و طی بیش از دوده دهه با چپاولگری، با استخراج، قاچاق و فروش سنگهای قیمتی و سایر اجحار کریمه که بی شرمانه و خبیثانه به این دزدی خویش هنوز نیز ادامه میدهند. قاچاق مواد مخدر، معادن، انبارهای اسلحه، چور و چپاول سرمایه های دولتی و شخصی، رشوت و رشوت ستانی، قتل و جنایت های تکان دهنده، دزدی و اختلاس، خویش خوری و قوم پرستی... به پیمانها زیادی به چشم می خورد، با اندوه فراوان با گذشت هر روز وسعت بی سابقه پیدا نموده و قانون و دولت را زیر سوال برده اند. فساد اداری، مواد مخدر، تروریسم، فقر، ناامنی، فقدان کار و زنده گی بخور و نمیر، مشکلات با همسایه ها، حاکمیت جنگسالاران و نظایر آن همچون یک نظام پیوسته به هم عمل می کنند.

در حال ایجاد یک دولت مقتدر مرکزی با اتکا به اصل مردم سالاری که بتواند به خواسته های مردم پاسخ مثبت بدهد، تنها راه سیاسی بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی به شمار می رود. در غیر آن هر شخصی با تجربه ای هم اگر در این حلقه بسته و در سیستم بهم آمیخته قرار گیرد موفقیت چندانی نخواهد داشت.

در کشور بسیاری از فرمانداران محلی و ولایتی هم از اردو، پولیس و افسران امنیتی قبلاً فرماندهان جناح های مختلفی بوده اند که برای سرنگونی طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ در تصرف قدرت پیشدستی و خلاف توافق قبلی کابل را تصرف نمودند. مردم مظلوم وطن که سه دهه در آتش خون و نفاق، دار و ندارش را از دست داده، دیگر نمی تواند بدبختی های زورگویی، بیگانه پرستی، بروکراسی و فساد اداری را تحمل کند. ملت باید آگاه باشد که اعمال آن عده عناصر شرارت پیشه و خابین به منافع ملی که کوچکترین پابندی به هیچ قوانین بجز منافع خود ندارند، قابل عفو و بخشش نخواهد بود. اینان باید بدانند که تا طولانی مدت نمیتوانند به اعمال بنیادگرایانه و خائنانانه برخلاف اتحاد ملی و وابستگی با استعمار کهن و جهان خوار ادامه بدهند. تاریخ این دوره که بیانگر اعمال و کردار انسانهاست، آینه و آبروی عملکرد های انسانی قضاوت خواهد کرد و کتمان جای هیچ خاینملی را بدون چالش نخواهد گذاشت.

کسانی که پدیده های منفی اجتماعی را سازمان میدهند و یا زمینه های مختلف را در این جهت مساعد میسازند دشمنان شناخته شده مردم اند. از طرف دیگر علی رغم تشکیل دولت، حضور بیش از هزاران نیروی انتلاف، تشکیل اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی در افغانستان، هنوز کشور تا برقراری صلح و امنیت کامل فاصله زیادی دارد. دلیل این خودسر در جامعه است که همچنان مسئله تداوم حاکمیت، قانونیت و عدالت را زیر سوال میبرد. وجود سه دهه جنگ و بی ثباتی، نوعی فرهنگ ذلت بار سیاسی را در کشور پرورش داده است.

از ویژگی های این فرهنگ ننگین می توان به جنگ طلبی، منطقه پرستی، قانون گریزی، قبیله گرایی، ملیت خواهی، قوم پرستی، خویشخوری، گروپ بندی، مصلحت خواهی . . . انگشت گذاشت.

یکی از جدی ترین بحران ها در کشور وجود سلاح و جنگ سالاران، شونیستهای قوم و قبیله خواه، اسارت نظام بدست یک مشت افراد منفعت طلب، متعدد است. این نیروها با در نظر گرفتن زمان، همواره موقعیت خود را در صحنه قدرت و سیاست افغانستان ارزیابی می کنند و به محض اینکه احساس کنند منافع آنها به خطر افتاده، با رنگ و نیرنگهای گوناگون، با دسیسه های ماجراجویانه، با ظاهر قوم پرستی و ملیت خواهی، با دامن زدن به مسایل زبانی و فرهنگی، با نام دین و مذهب، با شرارت و شیطننت متعدد سعی در بی ثبات سازی و هرج و مرج اجتماعی می کنند. درین اواخر مآشاهد زورگویی و سفسطه خوانی عطانوردربلخ هستیم که باهرسخنی شاخ میمالد .

ازجانب دیگر تعدادی که در کرسی های قدرت لمیده اند سالیان درازی از چور و چپاول، ازدزدی و راه گیری، از زورگویی و بی بند و باری، از کشتن و بستن و بردن، از بی قانونی و پخپل سری و از ظلم و وحشتتروت اندوخته اند. آیا آنان نظام قانونی را در کشور میپذیرند؟ به هیچ صورت نه! درین شرایط احساس و تاریخی ازدولت مردان کشور توقع برده میشود که اختلافات و منافع مادی خویش را کنار گذاشته و همچون ابرمردتاریخ هوشی مین در خدمت مردم خویش قرار گیرند.

شصت سال زندگی هوشی مین توأم با کار مداوم در زندگی و فعالیت در کارهای مملکتی بود. او قلب و عشق خود را وقف هموطنان خود از همه طبقات و اقشار زن و مرد پیرو جوان اقلیت های ملی و گروه های مذهبی کرده بود. هوشی مین نمونه درخشان روحیه ی بود که به طور بنیادی انقلابی است، بی پروائی و پشتکار در مبارزه، وقف کامل تمام زندگیش را با روح فداکاری برای رهائی مردم، ملت و تمام بشریت، برای استقلال و آزادی وقف بود.

زماداران کشور!

مرد بزرگی می گفت- وقتی پا در رکاب اسب می نهی بر بال تاریخ سوار شده ی عمل تو ماندگار می شود چون هزاران فرزند به دنیا نیامده این سرزمین آزادی شان را از بازوان و اندیشه ما می خواهند . پس با عمل خود می آموزانیم که پدرانشان نسبت به آینده آنان بی تفاوت نبوده اند و آنان خواهند آموخت آزادی شان را به هیچ قیمت و بهایی نفروشد . کرسی داران وطن !

انسان با ریشه و فرهنگ یکسان برای خود محدوده و مرز ساخته اند و نام آن را وطن نامیده است، وطن یا میهن مکانی است که فرد خود و اجداد او در آنجا بدنیا آمده اند. وطن خاک پاکی است که لحظه به لحظه گام انسان را بر خود احساس می کند و وطن جای است که انسان در آن زندگی می کند، کار می کند، تولید می کند، شادی می کند و غمگین می شود.

چه کسانی وطن فروشدند؟ سوالی است زیبا که برای آن پاسخهای بسیاری داده اند. برخی این افراد را خیانتکار، برخی جاسوس و برخی بی هویت می نامند. وطن فروش کسی است که راههای تزلزل کشورش را برای بیگانگان فراهم نماید خانن کسی است که عرق ملی نداشته باشد، بی هویت کسی است که با حفظ منافع خود یا عده ای ثروت ديار خود را به تاراج دهد. جاسوس کسی است که سر بلندی کشورش را نخواهد و اسرار کشورش را در اختیار بیگانگان قرار دهد.

وطن پرست کیست؟ آن کسی است که نام خاک خود را همیشه زنده کند، در حوزه کاری خود به همگان نشان دهد که از سرزمینی است که به آن می بالد. در نوشته ها و عملکردهای خویش غروملی بی آفریند و مردم را به دور اتحاد و یگانگی انسجام بدهد. در مذاکرات خارجی کشورش را نفروشد.

حکومتی که تا شش ماه ۵۰ درصد کابینه خود را تشکیل نتواند و سیاست های داخلی و خارجی را حداقل به صورت نسبی تنظیم کرده نتواند، شکست خورده است . مردم در مجموع، به خصوص شورای ملی، مجلس سنا، شورا های ولایتی و نهادهای جامعه مدنی، از هم فروپاشی حکومت و وحدت ملی نگران هستند . رییس جمهور غنی ضمن اعلام پلان پنج ساله کاری حکومتش، تاکید کرد که سیاست های داخلی را تنظیم کرده و تغییرات در برخی از نهادها به خصوص کمیسیون مستقل انتخابات و مبارزه با فساد اداری از اولویت های کاری وی می باشد، اما تا کنون گام های موثر عملی در این راه ها بر داشته نشده است . این در حالی است که به گفته او کمک های بین المللی تا اندازه زیاد وابسته به اصلاحات درون حکومتی در افغانستان می باشد .

جامعه جهانی در حالی کمک های خود را مشروط به اصلاحات بنیادی و از بین بردن فساد در افغانستان کرده است که تا حال اکثر وزارت خانه ها و ولایت ها توسط سرپرست ها اداره می شود که آنان حتی صلاحیت عزل و نصب را ندارند در حالیکه تغییرات و عزل و نصب ها در نهاد دولتی توسط رهبری آن نهاد یک امر ضروری است .

کسانیکه در حیطه کاری خود صلاحیت عزل و نصب و مجازات و مکافات را نداشته باشند، چگونه می توانند مصدر خدمت واقع شوند، بنا بر این باید گفت تمام عوامل موجود سبب می شود که دولت وحدت ملی روز بروز ضعیف تر شود. دولت وحدت ملی همانگونه که در سیاست های خارجی ضعیف عمل کرده است، در سیاست های داخلی خود نیز تا کنون شکست خورده است، زیرا اقتصاد کشور با رکود مواجه است و تاجران ملی و بین المللی علاقه ای به سرمایه گذاری در افغانستان را ندارند و همچنین بیکاری و فقر در حال افزایش است .

در ابتدا گمان می رفت که رییس جمهور غنی کله اقتصادی خوبی دارد و طبق گفته های خود افغانستان را به یک کشور تولیدی تبدیل می کند، اما بلند بردن مالیات پیش از تغییر و توسعه اقتصادی و هم چنین تظاهرات عده از دکانداران و نانواییها در شهر کابل به دلیل بلند بردن مالیات از سوی دولت، نشان داد که این روند با اقتصاد فعلی کشور سازگار نیست و دولت در سیاست های داخلی خود ضعف دارد.

دولت وحدت ملی همانگونه که تاکنون در سیاست های داخلی خود ناکام بوده است در سیاست های خارجی نیز با تعاملات که در این اواخر با برخی از کشورها داشته است. به خصوص اعلام حمایت از کشور عربستان سعودی در قضیه یمن ضعیف عمل کرده است. گفتنی است برخی از نمایندگان مجلس نیز از فرو پاشی دولت وحدت ملی به دلیل ضعف های که دارد ابراز نگرانی کرده و از عموم اعضا خواستند که دو روز کاری خود را جهت بررسی بحران های موجود در حکومت به خصوص علت تاخیر در معرفی اعضای کابینه اختصاص دهند.

شش ماه از زمان آغاز به کار دولت وحدت ملی می گذرد. در این شش ماه دولت وحدت ملی از آزمون های سختی عبور کرد و در برخی موارد به شدت به بن بست خورد. آنچه را که رهبران دولت وحدت ملی در آغازین روزهای کاری خود به مردم وعده سپرده بودند، در بسا موارد برآورده نشد و بر این اساس می توان گفت که کارنامه کاری تا این جای کار، کارنامه یی قرین به موفقیت نبوده است.

غنی در آغاز روزهای کاری خود به مردم اطمینان دادند که در مبارزه با فساد از هیچ تلاشی دریغ نخواهند ورزید و هیچ چیزی مانع دست یافتن افغانستان به جامعه بدون فساد نخواهد شد. غنی برای این که اراده محکم خود در مبارزه با فساد را ثابت کند، در اولین گام پس از ادای سوگند وفاداری، دستور به باز شدن پرونده بزرگترین فساد مالی در افغانستان را داد. باز شدن پرونده کابل بانک این امیدواری را در سطح جامعه به وجود آورد که دولت وحدت ملی بر خلاف دولت قبلی اراده مستحکم در راه مبارزه با فساد اداری دارد. اما پس از چندی معلوم شد که بحث فساد اداری در کشور چنان فریه و گسترده است که با چنین حرکت های نمادین نمی توان به ریشه های آن دست پیدا کرد. غنی با حرکت نمایشی کابل بانک نه تنها برنامه یی مدون در مبارزه با فساد ارائه نکرد، بل در همان شعارهای انتخاباتی خود باقی ماند.

ایجاد کابینه متخصص: از دیگر وعده های دولت مردان جدید، ایجاد کابینه متخصص و کارا در افغانستان بود؛ کابینه یی که بیشتر تخصص گرا و مبتنی بر شایسته سالاری باشد و کمتر در بند مصلحت های گروهی، حزبی و قومی. اما دولت وحدت ملی، وقتی فهرست نخستین کابینه را به مجلس نماینده گان فرستاد، مشخص شد که اکثریت افراد معرفی شده نه تنها از تخصص لازم در وزارت معرفی شده برخوردار نیستند، بل با داشتن شهروندی دوم و یا داشتن پیشینه بد، با معیارهای لازم رسیدن به کرسی های وزارت برابر نیستند. این مورد، ضربه بزرگی به وعده های رهبران جدید بود و به نحو فزاینده یی نگاه جامعه را نسبت به کارکرد دولت جدید دگرگون کرد.

دولت جدید حالا پس از گذشت شش ماه با کابینه یی ناقص کار می کند و هنوز مشخص نیست که باقی مانده اعضای کابینه چه زمانی از مجلس رای اعتماد به دست خواهند آورد. غنی هر زمانی که با پرسش کم کاری در عرصه های دیگر رویه رو شده، تأکید ورزیده است که تلاش های اصلی اش در محور گفت وگوهای صلح و تأمین امنیت سراسری کشور تمرکز یافته است. او به این منظور، چندین سفر خارجی انجام داد و حتا شایعاتی ورد زبان ها شد که به زودی گفت وگوهای مستقیم صلح با طالبان آغاز می شود. اما پس از گذشت شش ماه هنوز هیچ خبری از گفت وگوهای صلح نیست. از جانب دیگر، دیدگاه های متفاوت و گاه متضادی در این رابطه در هسته رهبری کشور شکل گرفته است.

غنی خواهان عذرخواهی و دادن برخی امتیازها به گروه های مخالف مسلح برای پیوستن به روند صلح است؛ اما از جانب دیگر در ریاست اجرایی این گونه امتیاز بخشی ها به ضرر دستاوردهای سیزده ساله اخیر تعبیر شده و گفته می شود که هیچ معامله پنهانی در مورد صلح نباید انجام شود. غنی نیز هر چند از گفت وگوهای آشکار با گروه های شورشی حرف می زند، اما در عمل دیده شده است که او برخی حرکت های پنهانی را در این زمینه رهبری می کند. در همین حال، بر اساس گفته های آگاهان امور، غنی راه درست رسیدن به صلح را با معامله کردن با پاکستان اشتباه کرده است. به این اساس، می توان گفت که کارنامه دولت وحدت ملی در تأمین امنیت و گفت وگوهای صلح نیز کارنامه یی موفقیت آمیز و در خور ستایش نبوده است.

غنی بر اساس مفاد توافق نامه سیاسی، دستور ایجاد کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی را داد؛ کمیسیونی که در رأس آن یکی از اعضای برجسته تیم او قرار دارد و بیشتر اعضای آن، در روند انتخابات به نحوی سهمیم بوده اند. ریاست اجرایی نسبت به گزینش رییس کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی واکنش نشان داد و متذکر شد که رییس جمهوری در این خصوص با ریاست اجرایی مشوره نکرده است. در همین حال، کمیسیون اصلاح نظام انتخاباتی هیچ برنامه و دستور کاری برای اصلاحات اساسی در نظام انتخاباتی کشور در اختیار ندارد و آن گونه که دیده می شود، این کمیسیون برای وقت کشی و بستن زبان منتقدان ایجاد شده است. دولت وحدت ملی تا این جای کار، در اصلاح نظام انتخاباتی به عنوان یکی از اصل های مهم توافق نامه سیاسی ناکام بوده است.

از وعده‌های عمده سران جدید تأمین امنیت کشور بود. غنی به عنوان رییس جمهوری کشور همواره تأکید کرده است که در تأمین امنیت جانی و مالی شهروندان از هیچ کوششی دریغ نخواهد ورزید. اما گزارش‌ها چیز دیگری می‌گویند. بر اساس گزارش‌های رسانه‌های داخلی و خارجی، اوضاع کشور و نفوذ گروه‌های تندرو بیش از هر زمان دیگری تهدیدآفرین شده است. حالا افزون بر تهدید طالبان، گروه نوظهور داعش نیز نگرانی‌های فزاینده‌ی را در کشور به وجود آورده است. عدالت و سپردن کار به ال کار از بخش‌های عمده و وعده‌های انتخاباتی سران جدید بود. غنی و عبدالله همواره می‌گفتند که برای تأمین عدالت اجتماعی و کارآفرینی در کشور برنامه‌های سریع و قابل توجه دارند. اما با گذشت شش‌ماه دیده می‌شود که نه تنها در عرصه کارایی و سپردن کار به اهل کارپیزی از پیش نرفته، بل لشکر بیکاران به مراتب از سال‌های پیش افزایش یافته است. در نتیجه می‌توان گفت که شش‌ماه عمر دولت وحدت ملی برای مردم چندان پُر لطف نبوده و این دولت در بخش‌های اساسی از وعده‌های خود تا امروز ناکام بوده است.

بدبختانه تمام کسانی که در حکومت وحدت ملی شامل هستند در طول این سالها به جنگ و غارت و چپاولگری مشغول بودند.

کسی که دستش بخون و مال ملت و رشوت و فساد آلوده نیست تنهاتنها اشرف غنی رییس جمهور است.

دولت وحدت ملی در حال حاضر برای تداوم قدرت جنایتکاران و غارتگران و برای تداوم نظام مافیایی تلاش می‌نماید. حکومت وحدت ملی برای تعیین چگونگی تقسیم چوکی‌ها و منصب‌ها است. اشرف غنی در مورد سیاست خارجی کشور می‌گوید: سیاست خارجی برای ما اهمیت حیاتی دارد. امنیت در افغانستان با امنیت در دنیا گره خورده است. قاچاق مواد مخدر یک مشکل جهانی است. نیاز دارد تا پنج حلقه را در روابط خارجی خود مشخص کند و گفت که امیدواریم با تأمین ارتباط با این پنج حلقه به امنیت، توسعه و تحول برسیم. حلقه اول سیاست خارجی او با کشورهای همسایه بود و تأکید کرد که بی‌ثباتی در کشورهای همسایه با بی‌ثباتی در کشورش ارتباط دارد و افغانستان نیاز دارد تا با کشورهای همسایه یک پیمان همکاری منطقه‌ای امضا کند. حلقه دوم را کشورهای اسلامی تشکیل می‌دهد. حلقه سوم سیاست خارجی دولت او کشورهای آمریکا، کانادا و جاپان هستند و تأکید کرد که صلح هدف استراتژیک ما است و حلقه چهارم سیاست خارجی کشورش را رابطه با کشورهای آسیایی خواند و گفت که "افغانستان را به چهارراه آسیا و پل منطقه تبدیل خواهد کرد.

او با اشاره به فقر گسترده در کشورهای آسیایی افزود که تلاش ما آن است که در این قاره به فقر زدایی برسیم." حلقه پنجم سیاست خارجی سازمان‌های بین‌المللی است. ما نیت، برنامه و اراده به اصلاحات داریم. ما امیدواریم که با تأمین ارتباط با این پنج حلقه به امنیت، توسعه و تحول برسیم. از خاک افغانستان علیه هیچ کشوری استفاده نخواهد شد و از کشورهای همسایه نیز توقع مشابه دارد.

همچنان اشرف غنی در دیدار با رهبری وزارت خارجه پلان صد روز نخست وزارت امور خارجه را به رییس جمهور غنی ارایه و مورد ارزیابی قرار داد. پلان صد روز نخست آن وزارت در عرصه‌های مختلف از جمله اصلاحات اساسی در امور بنیادی و منابع بشری، دیپلوماسی عامه، اقتصادی-توسعه‌ی، امنیتی، فرهنگی و آموزشی، تحکیم و گسترش مناسبات با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی است. در تطابق با سیاست‌های دیگر، سیاست خارجی‌های منطقوی، حقوق شهروندان و مهاجرین، حقوق بشر و امور بین‌المللی زنان و علمی سازی سیاست خارجی، از دیگر موارد سیاست خارجی دولت افغانستان است.

همچنین رییس جمهور غنی، پلان صد روز نخست وزارت امور خارجه مورد ارزیابی قرار داد و ضمن تأکید بر اصل شایسته سالاری در وزارت امور خارجه، گفت: باور دولت این است که هیچ افغان از افغان دیگر کمتر و یا بیشتر نیست و این مسئله باید به حیث یک فرهنگ در وزارت امور خارجه و نمایندگی‌های دیپلوماتیک افغانستان در خارج از کشور مبدل شود. سفارت‌خانه‌های افغانستان باید به نمایندگی‌های خدمتگذار به مردم تبدیل شوند. ظرفیت‌های کاری کارمندان وزارت خارجه باید بررسی گردد، گفت که تمرکز روی یک تعداد از سفارت‌خانه‌ها نیز صورت گیرد و کارهای شان به شکل اساسی اصلاح گردد. سیاست خارجی کشور در حقیقت سیاست داخلی آن می‌باشد، بدین معنی که سیاست خارجی نباید در دست چند تن محدود بماند بلکه دست اندرکاران سیاست خارجی باید از سیاست داخلی کشور واقف بوده و بر عکس آن کابینه و والیان از سیاست خارجی کشور مطلع باشند.

منافع ملی کشور، محور سیاست خارجی ما را تشکیل می‌دهد و سیاست فعال خارجی افغانستان باعث ایجاد صلح و ثبات در کشور می‌گردد. ما باید از مهاجرین افغان در خارج از کشور بخصوص کشور های پاکستان و ایران حمایت نموده، به مشکلات شان رسیده گی نماییم. باید از حقوق شهروندان افغان در کشور های عربی حمایت صورت گیرد و در زمینه فراهم آوری تسهیلات بخاطر کارایی به آنها، توجه بیشتر مبذول گردد.

این در حالی است که حکومت وحدت ملی امیدواری‌های زیادی را در بین مردم برای خارج شدن از وضعیت سیاسی و اقتصادی کنونی ایجاد کرده است هر چند که عده ای بر این باورند که تشکیل این حکومت به معنای تداوم قدرت شخصیت

های سیاسی گذشته است و در واقع نمی تواند تاثیر مثبتی در روند حکومتداری بگذارد. اشرف غنی در نظر دارد شایسته سالاری را روی دست گرفته اصلاحاتی را عملی نماید.

بر بنیاد اصلاحات در وزارت خارجه این سفیران از وظایفشان برکنار شده اند:

نجیب الله مجددی، سفیر افغانستان در امارات متحده عربی؛ پسر صبغت الله مجددی

ضیاءالدین مجددی، سفیر در جمهوری چک؛ یکی از نزدیکان حضرت صبغت الله مجددی عزیز الله کرزی، سفیر در

روسیه؛ کاکای حامد کرزی

سید احمد عمر خیل، سفیر در عربستان سعودی یکی از نزدیکان عبد رب الرسول سیاف

غلام سخی غیرت، سفیر در اندونزی از نزدیکان رنگین داد فراسپینتا، وزیر خارجه ی پیشین

ضیاءالدین نظام، سفیر در ایتالیا

شام لال، سفیر در کانادا

ننگیالی طرزی، سفیر در سوئیس

محمد قاسم فاضلی، سفیر در سازمان یونسکو

اسدالله عمر، سفیر در فرانسه

محمد داوود یار، سفیر در بریتانیا

پیشتر رییس جمهور غنی گفته بود کارمندان وزارت خارجه به شمول سفیران را کم و به جای آنان بورس های به محصلین

در بیرون از کشور را افزایش خواهد داد. اما گزارش های نشر شده که برخی دیپلمات ها و کارمندان وزارت خارجه در

بیرون از کشور درخواست پناهندگی داده و دوباره به کشور برگشته اند.

بیش از صد مشاور در اداره ائتلافی



مجموع معاش مشاوران ریاست جمهوری و ریاست اجراییه به ملیونها افغانی میرسد. مشاوران ریاست

جمهوری و ریاست اجراییه که شمار آنان به صد تن می رسد هر یک آنها ماهانه تا دو صد هزار افغانی

معاش می گیرند.

رییس جمهور غنی جمعا دوازده نفر

عبدالرشید دوستم معاون اول رییس جمهور ۱۳ مشاور

سرور دانش معاون دوم غنی ۷ مشاور

عبدالله رییس اجرایی ۸ مشاور

محمد خان رحمانی معاون اول ریاست اجرایی ۱۰ مشاور

و تعداد مشاورین محمد محقق معاون دوم عبدالله نیز به ۱۰ تن می رسد. اما این پروسه همچنان ادامه دارد و رییس

جمهور تازه چهار نفر دیگر را به صفت مشاوریه کارگماشته است .

مشاورین محمد اشرف غنی رییس جمهور

محمد حنیف اتمر مشاور امنیت ملی

حضرت عمر زاخیلوال مشاور رییس جمهور در امور اقتصاد ملی

جمعه خان همدرد را به حیث مشاور امنیتی،

قطب الدین هلال را به حیث مشاور امور صلح،

اکرم خیلواک را به عنوان مشاور امورصحت
 خالد فاروق را به حیث مشاور امور داخلی.
 عبدالعلی محمدی مشاور رییس جمهور در امور حقوقی
 اسد الله غضنفر مشاور رییس جمهور در امور فرهنگی
 خلیل زمر مشاور رییس جمهور در امور محجوزین و محبوسین
 برید جنرال حبیب الله احمدزی مشاور امنیت خاص رییس جمهور
 هیله علم مشاور رییس جمهور در امور روابط بین الملل
 احمد وفی امین مشاور رییس جمهور در امور اداری و تشریفاتی
 معاون اول ریاست جمهوری مشاورین اش به سیزده تن میرسد که در این میان دومشاور اقتصادی دارد.
 مشاورین عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری
 لعل محمد تاشی و احمد شکیب بخشی- مشاورین امور اقتصادی
 یونس طغرا - مشاور امور روابط بین المللی
 حمیدالله توچی- مشاور امور اجتماعی
 عبدالحمید مرادی- مشاور امور جوانان
 مسعوده عمری- مشاور امور زنان
 پیرمحمد خاکسار- مشاور خاص امور نظامی
 سید جعفر نادری- مشاور امور امنیتی
 سلطان فیضی- مشاور امور مطبوعاتی
 فضل احمد بورگیت- مشاور امور سیاسی
 سید احمد سعید- مشاور امور عدلی و حقوقی
 صلاح الدین برهانی- مشاور امور صحی
 محمد نبی ایوبی- مشاور امور دینی
 احمد شکیب بخشی - مشاور امور اقتصادی
 مشاورین سروردانش معاون دوم ریاست جمهوری به هفت تن میرسد.
 عبدالله شفاهی - مشاور حقوقی
 امان فصیحی - مشاور فرهنگی
 سعادت غزنوی - مشاور دینی
 فرید خروش - مشاور مطبوعاتی
 عزیزه و هاج مشاور امور زنان
 سرور جوادی - مشاور امور اجتماعی
 اسلم جوادی مشاور سیاسی که حالا استعفا داده است.
 مشاورین عبدالله عبداللہ رییس اجرائیه به هشت میرسد.
 سید آقا حسین سانچارکی - مشاور ارشد امور فرهنگی و اجتماعی
 سید طیب جواد - مشاور ارشد سیاسی و امور بین المللی
 ظاهرا غیر مشاور ارشد نظامی و امنیتی
 عمر صمد - مشاور امور پالیسی و استراتژی
 محمد قربان حقجو- مشاور اقتصادی
 حبیبه سرابی - مشاور امور زنان و جوانان
 محمود صیقل - مشاور ارشد و نماینده خاص رییس اجرائیه
 احمد نور واقف - مشاور امور دینی و تدریسی
 بیک نظر بلخی مشاور امور مذهبی.
 مشاورین محمد خان به یازده تن میرسد که دو مشاور در امور اقوام و قباایل و دو مشاور در امور دینی دارد.
 مشاورین معاون اول ریاست اجرائیه
 محمدظاهر عزیز - مشاور سیاسی و امور بین المللی
 محمد حلیم تنویر - مشاور امور فرهنگی و اجتماعی
 عبدالجباری شلگری - مشاور امور حقوقی و پارلمانی

قاضی نجی اللہ - مشاور امور دینی
 صفی اللہ - مشاور فرہنگی و رسانہ ہا
 سیف الدین - مشاور اقوام و قبائل
 محمدرور- مشاور اقوام و قبائل
 محمدرضا - مشاور امور دینی
 عبدالمنان - مشاور امور دینی
 عبدالصبور- مشاور امور حکومت داری
 اسد اللہ - مشاور امور انکشافی و اقتصادی
 مشاورین محمد محقق بہ دہ تن میرسد۔
 مشاورین محمد محقق معاون دوم ریاست اجرایہ
 غلام محمد بیلاقی - مشاور امور انکشافی و اقتصادی
 عبدالوہاب عزیز- مشاور سیاسی و امور بین الملل
 محمد آصف فروغ - مشاور امور اجتماعی و فرہنگی
 محمد نادر شریعتی - مشاور امور امنیتی
 محمد باقر ناطقی - مشاور امور دینی
 علی آقا علی زادہ مشاور امور اقوام و قبائل
 نجیب اللہ مقصودی مشاور امور حقوقی و پارلمانی
 ولی اللہ رحمانی - مشاور امور فرہنگی و رسانہ ہا
 قاضی محمد نظیف مستضعف- مشاور امور دینی
 موسی مصباح - مشاور امور اقوام و قبائل
 باری سلام - عضو جامعہ مدنی

در این فہرست بالا تنها سہ بانو مشاور وجود دارد وبس ، حبیبہ سراہی مشاور امور زنان و جوانان رییس اجرایہ ،
 عزیزہ و ہاج مشاور امور زنان . ہیلہ علم مشاور در امور روابط بین الملل ... بقیہ مشاور مردان اند۔
 اخیرا غنی بیست نفر دیگر ادر جمع مشاورینش علاوہ نمودند و دہل عبداللہ نیز در برابرہی با غنی بہ تعداد مشاورینش
 افزودند و همچنان معاونین عبداللہ ہم معتقداند از ہر دو مقام عقب نمانند و در تکاپوشدہ اند۔
 اشرف غنی بر بنیاد یک فرمان جمعہ خان ہمدرد را بہ عنوان مشاور امنیتی، قطب الدین ہلال را بہ عنوان مشاور صلح،
 اکرم خیلواک مشاور سیاسی و خالد فاروق را بہ حیث مشاور امور داخلی اش برگزیدہ است۔
 جمعہ خان ہمدرد از ولایت بلخ است، پیش از این بہ عنوان والی بلخ، جوزجان و پکتیا کار کردہ است۔
 قطب الدین ہلال نیز درخواست بہ دنیا آمدہ و بہ حزب اسلامی گلبدین حکمتیار ارتباط دارد۔
 او خودش را برای انتخابات ریاست جمہوری سال گذشتہ نیز نامزد کردہ بود۔ اگر خیلواک کہ بہ عنوان مشاور امور
 داخلی مقرر شدہ نیز پیش از این در پست وزیر سرحدات اقوام و قبائل و والی پکتیا کار کردہ است۔
 اشرف غنی، ۱۸ مشاور جدید برای خود تعیین کردہ کہ نام ہمایون جریر، محمد علی جاوید، وزیر پیشین حمل و نقل،
 فضل کریم ایماق، شہر دار پیشین کابل، علم کوچی، نمایندہ پیشین مجلس دیدہ می شونند۔
 همچنان عبداللہ عبداللہ طی این مدت اشخاص ذیل را بہ صفت مشاورش تعین نمودہ اند:

سید طیب جواد
 حبیبہ سراہی
 جنرال ملک برادر رسول پهلوان
 جنرال ظاہر اغبر
 قربان حقجو
 حاجی امام قل
 محمود صیقل
 محمد ظاہر عزیز
 محمد حلیم تنویر
 عبدالجبار شلگری
 نجی اللہ

صفی اللہ
سیف الدین
محمد سرور ذاکر
محمد رضا فاضل
عبدالمنان
عبدالصبور توحیدی
اسد اللہ
فاضل سنچاری
رحمان اوغلی ...

ادامہ دارد...